

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۷۰

شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۵ چهارم آوریل ۲۰۲۶

ایران، عصر حجر ترامپ و جمهوری اسلامی

حسن صالحی

بیش از ۴۷ سال است که جمهوری اسلامی با تکیه بر قوانین متحجرانه و ضدانسانی شریعت اسلام تلاش کرده است جامعه ایران را به دوران بربریت ۱۴۰۰ سال پیش بازگرداند، اما موفق نشده است. با استناد به این قوانین، سنگسار کرده است، زنان بریده است، علیه زنان آپارتاید جنسیتی اعمال کرده است، قوانین «چشم در برابر چشم» و قصاص اسلامی را برقرار کرده است و قتل‌های وسیعی از مخالفان خود به راه انداخته است، اما به آرزوی خود دست نیافته است. چرا؟ چون به مردمانی روبه‌رو بوده است که در مقابل آن ایستاده‌اند، به ارزش‌های ارتجاعی اسلامی پشت کرده‌اند و آن‌ها را در زندگی روزمره خود کنار گذاشته‌اند. زیرا زنان و مردان جسور جامعه ایران از همان ابتدا، جامعه اسلامی را وصله‌ای ناجور می‌دانستند و این رژیم تنها با توسل به زورگویی و سرکوب توانست اسلامیت را بر مردم ایران تحمیل کند. اکنون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به جمهوری اسلامی می‌گوید که شما را به عصر حجر باز می‌گردانیم که عملاً به این معناست که می‌خواهد با بمبارانهای گسترده و هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی مانند برق و انرژی و زیرساخت‌های غیر نظامی زندگی عادی را مختل و کل جامعه را به قهقرا بکشانند. برای ترامپ، که نماینده راست‌ترین و فاشیستی‌ترین جناح سرمایه‌داری حاکم بر آمریکاست، جان و زندگی مردمی که در ایران زندگی می‌کنند آن‌چنان بی‌ارزش است که حاضر است با همان اهداف ضد مردمی جمهوری اسلامی، با بمباران‌های گسترده و مرگبار، زندگی مردم را به دوران عصر حجر بازگرداند.

برای ما که از همان آغاز، ماهیت فاشیستی ترامپ روشن بوده است، چنین اظهاراتی از جانب او عجیب نیست. این رویکرد ادامه همان رفتار ضدانسانی است که ترامپ در خود آمریکا نیز داشته است. او که خود را شاه می‌پندارد و مفتون قدرت فردی است، در داخل آمریکا نیز به جنگ با دموکراسی - حتی در سطح لیبرالی آن - رفته است و با استقرار نیروهای نظامی و پلیس مخفی نقاب‌دار در خیابان‌ها برای بازداشت و اخراج مهاجران، فضای وحشت ایجاد کرده است. این اقدامات ضد انسانی تا به آن حد پیش رفته است که عملاً منجر به چندین قتل خیابانی توسط نیروهای پلیس، یورش به محل‌های کار و زندگی مهاجران، جداسازی خانواده‌ها در مرزها و نگهداری

کودکان در مراکز بازداشت منجر شده

ادامه در صفحه ۲

علیه قانون فاشیستی اعدام در اسرائیل

اطلاعیه حزب

صفحه ۲

اقتصاد و فقر در جامعه امروز و...

شهلا دانشفر

صفحه ۳

تکثرگرایی جواب نیست

حمید تقوایی

صفحه ۴

"کنگره آزادی"، گامی مثبت در معرفی اپوزیسیون

کاظم نیک خواه

صفحه ۵

جنگ، توهم و استقلال سیاسی

سیاوش آذری

صفحه ۶

چرا برخی فقط یک طرف جنگ را می‌بینند؟

ناصر اصغری

موج جدید اعدام‌ها

اطلاعیه کمیته بین‌المللی علیه اعدام

صفحه ۷

پیام‌های بهرام سروش و اصغر کریمی به مراسم

گرامیداشت ینار محمد

صفحه ۸

علیه اعدام‌ها و برای آزادی زندانیان سیاسی

در مورد کنگره آزادی ایران در لندن

دو اطلاعیه از حزب

صفحه ۹

کمپین مالی حزب (لیست شماره ۷)

صفحه ۱۰

علیه قانون تازه فاشیستی اعدام در اسرائیل

روز دوشنبه ۱۰ فروردین (۳۰ مارس) قانون تازه‌ای برای اعدام فلسطینیان در کنست اسرائیل به تصویب رسید. این قانون که با ۶۲ رای مثبت، از جمله رای نتانیاو، در مقابل ۴۸ رای منفی تصویب شد نه تنها عقبگردی در زمینه اعدام است بلکه قانونی آشکارا فاشیستی است. این قانون در ادامه نسل‌کشی از مردم فلسطین به تصویب رسیده است و این خود نفرت‌انگیزی مجازات قانون اخیر را صد چندان میکند. طبق این قانون، برای فلسطینیانی که در دادگاه‌های نظامی به دلیل حملات مرگبار با انگیزه‌های موسوم به "تروریستی" محکوم شوند، مجازات اعدام بدون بخشش از طریق دار زدن یا حبس ابد در نظر گرفته می‌شود.

این قانون در حالی در اسرائیل تصویب شد که بیش از ۶۰ سال است اعدامی در این کشور صورت نگرفته است. این قانون مجوزی برای سرکوب بیرحمانه‌تر فلسطینیان و ارباب آنها است. بن‌گور، وزیر امنیت ملی اسرائیل و از بنیان اصلی این قانون آشکارا انگیزه این قانون جدید را اعلام کرده است: "هر کس یهودیان را بکشد، دیگر نفس نخواهد کشید". گوی قتل عام فلسطینیان توسط دولت اسرائیل کافی نبود و مجازات اعدام آنها را نیز باید همراه با جنایات هر روزه علیه آنها بکار گرفت.

مجازات اعدام هنوز علیرغم جنبش جهانی علیه این مجازات ضد انسانی، در شماری از کشورها رایج است اما بی‌سابقه است که دولتی رسماً اعلام کند که اعدام فقط شامل یک بخش از مردم یعنی فلسطینیان می‌شود.

دنیا باید در مقابل این عقبگرد و آدم‌کشی فاشیستی بایستد. حزب کمونیست کارگری دولت اسرائیل را شدیداً محکوم می‌کند و از همه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، تشکل‌های کارگری و حقوق بشری می‌خواهد در مقابل این بربریت آشکار بایستند و دولت اسرائیل را برای لغو این قانون تحت فشار قرار دهند.

احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی، تشکل‌ها و نهادهای مردمی و فعالین سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج کشور انتظار می‌رود دولت اسرائیل و قانون جنایتکارانه آنرا قاطعانه محکوم کنند. در ایران فی‌الحال جنبش گسترده و قدرتمندی علیه اعدام جریان دارد. جا دارد که این جنبش و نهادها و فعالین آن با تمام قوا علیه اعدام در اسرائیل و در دفاع از مردم ستمدیده فلسطین اعلام موضع کنند و آنرا وسیعاً محکوم نمایند. جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین لازم است فعالانه انزجار خود را علیه این قانون جنایتکارانه در اسرائیل ابراز نماید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین ۱۴۰۵، ۳۱ مارس ۲۰۲۶

ادامه از صفحه ۱

ایران، عصر حجر ترامپ و جمهوری اسلامی



حسن صالحی

است. ترامپ با دفاع از منافع «یک‌درصدی‌ها» و الیگارش‌های مالی که خود بخشی از آن است. زندگی میلیون‌ها نفر از مردم آمریکا را مورد حمله قرار داده است.

در آمریکا، جنبش اعتراضی وسیعی علیه ترامپ با عنوان «نه به پادشاه، همه قدرت به دست مردم» شکل گرفته است که تاکنون در هزاران شهر، تظاهرات گسترده‌ای را سازمان داده است.

این تنها اپوزیسیون راست افراطی و سلطنت‌طلب جمهوری اسلامی است که بی‌شرمانه از ترامپ حمایت می‌کند و علیرغم تهدید او مبنی بر «عصر حجری کردن ایران»، از وی تشکر و قدردانی می‌کند.



مردم ایران، که زیر چکمه حکومت مستبد اسلامی قربانیان زیادی داده‌اند اما از پای درنیامده‌اند، همچنان به این مبارزه تا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد و به حمایت «بشردوستانه» کسانی که وعده نابودی یک جامعه ۹۵ میلیونی را می‌دهند، نیازی ندارند. همان‌طور که مردم در آمریکا برای جلوگیری از رفتارهای فاشیستی دونالد ترامپ اعلام کرده‌اند که «همه قدرت باید در دست مردم باشد»، ما نیز در ایران اعلام کرده و می‌کنیم که تنها راه مردم ایران برای رسیدن به آزادی به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت مردم است. ما این کار را با انقلاب زن زندگی آزادی وسیعاً بیان کردیم و با ادامه انقلابیمان به پیش خواهیم برد.

از این نظر، خواست مردم ایران و آمریکا واحد است: نه شاه و نه ولی فقیه! نه در آمریکا و نه در ایران؛ همه قدرت به دست مردم!

۳ آوریل ۲۰۲۶

اساس سوسیالیسم انسان است!

اقتصاد و فقر در جامعه امروز و رفاه اجتماعی در جامعه آینده



متن سخنرانی شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در "کنگره آزادی ایران"

درد میگویم به همه حضار، درد میگویم به همه عزیزانی که آنلاینی این اجلاس را دنبال میکنند و تشکر میکنم از برگزاری این کنگره. بحث من بر سر فقر و اقتصاد در جامعه امروز و رفاه اجتماعی در جامعه آینده است. فقر و اقتصاد در واقع موضوع خیزش های اجتماعی بویژه در این دو دهه و از جمله در دیماه ۱۴۰۴ بود. در ۲۰۰ شهر مردم به خیابان آمدند و گفتند "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی". این صدا در روز آخر در این کنگره دارد فریاد زده میشود. من صدای آن کارگران، آن معلمان، آن بازنشستگان، آن پرستاران، و آن مدافعین حقوق کودکان کار در اینجا هستم. جا داشت این پنل در همان روز اول متصل میشد به خیزش دیماه ۱۴۰۴ که یک نسل کشتی شد. اما بگذارید از فقر بگویم. من نمیخواهم افشاگری کنم. مردم گرسنه اند، سفره ها خالیه، بیکاری بیداد میکند، کودکان کار درد همه ماست، سن تن فروشی ببینید به کجا رسیده است. اما مساله اینست که امروز در این مقطع در کجا قرار داریم؟ ریشه همه اینها چیست؟ ببینید فقر و مستمند سازی خصلتهای پایه ای سیستم سرمایه داری هستند که باز اینجا به آنها اشاره نشد. از تبعیض جنسیتی حرف زدیم، از تبعیض ملی صحبت کردیم، اما همه این تبعیض ها یک مادر دارد، آنهم تبعیض طبقاتی است. این جامعه سراسر نکبت و بردگی است که استثمار در آن حرف اول را میزند و انسانیت در آن له میشود. و ابزار آن سرکوب است. ابزار آن اعدام است، و ابزارش زندان است. ما در این مورد صحبت نکردیم. بنابراین راه حل من "تکثر گرایی" نیست. "تکثر گرایی"؟ بله، از این نظر هم بهتر بکنیم اوضاع را. ولی باید ریشه را بزنیم. تبعیض طبقاتی را باید از بین برد. دوستان! هر کسی که میخواهد یک تحول بنیادی در این جامعه ایجاد کند، باید علیه تبعیض و نابرابری باشد. علیه فقر باشد. علیه زندان باشد. علیه اعدام باشد. و خواهان برابری، خواهان یک جامعه آزاد، خواهان یک جامعه بدون تبعیض، برابری زن و مرد، برابری در تمام عرصه ها، رفع تبعیض علیه ملیت ها و اثنیکها، رفع تبعیض جنسیتی و همه اینها که مصائب جامعه سرمایه داری هستند، باید آن چیزی است که در این کنگره ها در رابطه با این مباحث در جامعه ایران جواب میدهد. شاید به من بگویند که نباید ماکسیمالیستی حرف زد. بلکه باید اول از "حداقل ها" گفت. اما جامعه ایران ماکسیمالیست است، مردمی که آمدند و گفتند "زن زندگی آزادی" ماکسیمالیست بودند. معلمی که بنر دستش گرفت و گفت فاصله طبقاتی باید از بین برود، ماکسیمالیست بود. کارگر شرکت واحد وقتی آمد گفت که "ملک نجومی تو ما را بی خانه کرده"، ماکسیمالیست بود، معلمی که آمد و گفت این امنیتی که شما میگویید امنیت برای سرمایه داران است و باید به امنیتی کردن مبارزات پایان داد و حول آن یک جنبشی. به راه افتاد، ماکسیمالیست بود. و وقتی به این جامعه نگاه میکنید پرستاری که میگوید بهداشت نباید کالایی باشد و یا معلمی که میگوید تحصیل نباید کالایی باشد، تحصیل طبقاتی باید از بین برود،

ماکسیمالیست است.

ما اینجا دو روز حرف زدیم. این کنگره یک دیالوگی را باز کرد و برای همین هم من در این کنگره شرکت کردم. من بعنوان یک فعال کارگری، بعنوان یک فعال سیاسی، بعنوان یک چپ و یک سوسیالیست اینجا حرف میزنم. از تنوع صحبت کردید. این هم تنوع از نظر من است. و به این اعتبار میگویم این سیستم را باید تماما جارو کرد. تا تبعیض طبقاتی نباشد. تا تبعیض جنسیتی نباشد. تا کودک کار نداشته باشیم. تا زندان و شکنجه و آزار نداشته باشیم. و برای این کلید اصلی این است که تمام قدرت بدست مردم باشد. با این قدرت است که میتوانیم جامعه را بسازیم. بنابراین آلترناتیو من برای آینده یک آلترناتیو کارگری است. یک آلترناتیوی است که انسانیت حرف اول را میزند. آلترناتیو من برای آینده قدرت بدست مردم و بدست جامعه است. شاید بگویند که کو آمادگی کجا بود. من از جنبش زن زندگی آزادی صحبت میکنم. جنبشی که متشکل است. که سازمان دارد. اینهمه تشکلهای کارگری، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، شوراهای کارگران در نفت، شورای اعتراضات پرستاران، اینهمه "ان جی او" در دفاع از حقوق کودکان کار و اعتراض علیه تخریب محیط زیست، اینها همه دارند قانون اساسی جامعه آینده را در کف خیابان و با شعارهایشان مینویسند. بنابراین من میخواهم که این آلترناتیو ما باشد. رابطه و پیوند این جنبش های مردمی که اساسش علیه تبعیض است را با یکدیگر میخواهم بگویم. ببینید! جنبش کارگری ستون محکم جنبش سرنگونی است. و وقتی میگویم جنبش کارگری منظوم کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، پرستاران، رانندگان کامیون، کشاورزان مزد بگیر و ... را میگویم که بخش های مختلف طبقه کارگر را تشکیل میدهند. یعنی جنبشی که علیه تبعیض و نابرابری است. و منشور خواسته های حداقلی بیست شکل یک ستون مهمش جنبش کارگری بود. بنابراین ما حتی مانیفست جامعه آینده را داریم. تشکلهای آنرا داریم. منشور بیست شکل را داریم. منشور خواسته های پیشرو زنان را داریم. اینها بیانیه های یکی از پی سابقه ترین و زیباترین انقلابات جهانی است. از همین رو برای من دیگر آن بیانیه حقوق بشر دور است. بنابراین این ها که اشاره کردم تصویر جامعه آینده را بدست میدهند و حرف اول را میزنند.

در پنل جنبش های اجتماعی در مورد احزاب صحبت شد. من همین جا میخواهم بگویم که احزاب عمودی نیستند. احزاب در شبکه های اجتماعی حضور دارند و دخالترند. در جنبش کارگری، معلمان، بازنشستگان، و غیره ما هستیم. من در اینجا دیگر بعنوان یک فعال کارگری متحزب صحبت میکنم. گفتمان هایی چون اعدام قتل عمد دولتی است از کجا آمد؟ انقلاب ایران زنانه است از کجا آمد؟ کودکان مقدمند از کجا آمد؟ و همه این گفتمانهایی که در اینجا داریم صحبت میکنیم از کجا آمدند؟ احزاب رابطه مستقیم با جامعه دارند. و جامعه احزاب خودشان را یعنی آن احزابی که حرف آنها را میزنند و انقلاب زن زندگی آزادی را نمایندگی میکنند را انتخاب میکند. و به این شکل احزاب انتخاب میشوند. منظوم اینست که این نوع ابراز فاصله گیری از احزاب حاصل صد سال بردگی و بربریت و تابو بودن حزیت است. که امروز در مورد احزاب به این شکل صحبت میکنیم. منشور بیست تشکل اعلام کرد و گفت که میخواهیم به صد سال بردگی و اعمال قدرت از بالای سر مردم پایان دهیم. قدرت بدست شوراهای. و من میگویم تمام قدرت بدست مردم. بدست شوراهای. و میخواهم بگویم که احزاب یک حلقه واسطه اینجا هستند. احزاب یعنی سیاست، یعنی هدف، یعنی چشم انداز. و جامعه انتخاب میکند چه سیاستی و چه آینده ای. و من میگویم زن زندگی آزادی! به پیروزی رساندن انقلاب مان. متشکرم.

۲۹ مارس ۲۰۲۴

تکثرگرایی جواب نیست



متن سخنرانی حمید تقوایی در کنگره آزادی ایران،

۲۸ مارس ۲۰۲۶

با سلام و درود به همه حاضرین در این کنگره و همینطور همه کسانی که در مدیای اجتماعی این کنگره را دنبال میکنند.

تا اینجا اساس صحبت ها تکثرگرایی بود. من فکر می کنم باید در مورد آزادی صحبت کنیم. اسم این کنگره کنگره آزادی ایران است ولی بحثها از چارچوب تکثر گرایی فراتر نرفته است؛ البته اساسا تا اینجا، امیدوارم بعدا بحثها روال دیگری پیدا کند.

اجازه بدهید برای رفع هر نوع سوء تفاهمی اول این را روشن کنم که من طرفدار کاملا پیگیر و جامع و مانع رفع هر نوع تبعیض ملی هستم. رفع تبعیض زبانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی که در حق مردم در کردستان و آذربایجان و غیره روا شده است. صد سال است. در تاریخ جدید ایران، تاریخ قدیم بحث دیگری است- مردم در این مناطق و کل مناطقی که اتنیکی قومی ملی محسوب میشوند و معمولا استانهای مرزی هستند از نظر دولت مرکزی همیشه یا "مرزبان غیور" بوده اند و یا "تجزیه طلب منفور"! بعنوان انسان برابر متساوی الحقوق و به عنوان شهروند، و حتی فراتر از آن انسان ساکن جغرافیای سیاسی ایران، هیچگاه برسمیت شناخته نشده اند. این چیزی که ما سعی میکنیم با تکثر گرایی حل کنیم کلید اش این نیست. باید با رفع هرگونه تبعیض ملی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علیه این مردم مساله حل بشود. همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی گفت "کرد بلوچ آذری آزادی و برابری" نگفت کرد بلوچ آذری تکثرگرایی تکثرگرایی!

آزادی و برابری! کلید اینجاست. اگر کسی که در اصفهان، شیراز، تهران، متولد می شود می تواند به زبان مادری تحصیل کند مردم سنجند و تبریز و زاهدان هم میتوانند. میتوانند به زبان مادری تحصیل کنند و نه اینکه صرفا زبان مادری را آموزش ببینند. چون دو چیز است. بحث بر سر تحصیل به زبان مادری است چون طفلی که در آذربایجان یا کردستان یا بلوچستان وارد مدرسه می شود فی الحال زبان مادریش را بلد است، لازم نیست به او یاد بدهید. باید خواندن نوشتن به زبان مادری به او بیاموزید، سواد آموزی کنید ولی این یک بخش قضیه است. او حق دارد به زبان مادری تحصیل کند.

یا وقتی کسی به ستم ملی اعتراض میکند به او میگویند "تجزیه طلب"؛ که اسم منفی جدایی طلبی است. خیلی از نیروها و احزاب به اصطلاح ملی قومی این طور از خودشان دفاع میکنند که ما جدایی طلب نیستیم. یا تجزیه طلب نیستیم. من میگویم مگر جرم است؟ جدایی طلبی جرم نیست. مگر در همین کشورهای متمدن دنیا که ما میخواهیم دموکراسی از آنها یاد بگیریم احزاب جدایی طلب وجود ندارند؟ احزابی که احترامشان سر جاست، پلاتفرم دارند، برنامه دارند در پارلمانها شرکت دارند و بعضا در دولت هستند. مثلا ایالت کبک در کانادا حزب جدائی طلب دارد که در کنگره هم هست. در ایرلند و در بریتانیای کبیر هم چنین احزابی وجود دارند. چطور در ایران جدایی طلبی جرم شده؟ از کی تا حالا جرم شده؟

اگر می خواهید مسئله ملی حل شود تا آخر بروید دوستان. دوستانی که به خودتان میگوئید احزاب ملی یا ملیتی یا قومی یا اتنیکی بگوئید ما خواهان جدایی نیستیم ولی جدائی طلبی جرم نیست. ما در ایران جدائی طلب نداریم ولی اگر هم داشتیم جرم نبود. حق دارد کسی خودش را جدایی طلب بداند و در پارلمان هم شرکت کند و عضوگیری هم بکند. و هر وقت امکان داشت و لازم دید رفتارندوم بکنند. ما همه طرفدار ایران هر چه جامع تر و بزرگتر و

فراگیرتر هستیم ولی داوطلبانه. با زور اگر بخواهید کسی را نگه دارید یا باید مرزبان غیور باشد یعنی مرز فارس ها را نگه دارد و یا اگر معترض بود به او لشکر میکشید. کشیده اند. و الان در اپوزیسیون دارند این ساز را میزنند. به من چی فحش میدهند و به شمای تجزیه طلب هم فحش میدهند. اتحاد ما در اینجا هم لازم است. در برابر آن کسانی که هنوز بقدرت نرسیده شمشیر کشیده اند علیه "تجزیه طلبان". کافی است کسی. لهجه اش کردی باشد تا به تجزیه طلبی متهم بشود. کافی است کسی حزبی را در بلوچستان تشکیل داده باشد تا انگ تجزیه طلبی بخورد. دفاع من این است که خب باشد، چه اشکالی دارد؟ چرا نمیتواند مثل حزب جدایی طلب "پارتی کبکوا" باشد؟ مگر از دموکراسی صحبت نمیکنید؟

دوستان تکثرگرایی کلید این قفل نیست. آزادی و برابری کلید این قفل است. صحبت بر سر همه شهروندان ساکن ایران است. و من از شهروند هم فراتر میروم- هر که در آن جغرافیای سیاسی زندگی میکند، میلیونها افغانی داریم که خیلی شان شهروند نیستند، حقوق اینها چه میشود؟ اگر از جامعه مدنی که به شهروندی متکی است فراتر برویم به جامعه انسانی که به انسانهای یک جامعه متکی است، آنوقت حرف دقیقتری میزنیم. چرا باید افغانی که سخت ترین کارها را میکند و بیشترین توهینها را تحمل میکند چون شهروند نیست از بحث ما جدا بیفتد. از برنامه سیاسی ما جدا بیفتد. حقوق برابر و انسانی تمام سکنه ایران، افغانی باشد، عرب باشد، در ایران به دنیا آمده باشد یا در کشور همسایه - که بخاطر ظلم و بدبختی در کشورش به ایران پناه آورده است- باید به رسمیت شناخته شود. برخلاف چیزی که آقای ترامپ می گوید. ما نمی خواهیم با افغان ها همان کاری را بکنیم که آقای ترامپ با مکزیک ها در آمریکا کرد.

بنابراین اگر میخواهید به آزادی برسید لطفا از جوامع غربی فراتر بروید. ما ناسیونالیسم لیبرال در ایران داشتیم مثل جبهه ملی که هنوز هم مواضع لیبرالی دارد، ولی ناسیونالیسم فاشیست هم داشته ایم. پان ایرانیست ها یک بخش از اینها بودند و امروز جریان آقای پهلوی این نقش را دارد. الهام بخش آنها دیدرو و ولتر و حتی میتران و ویلی برانت نیستند. بت آنها، معبود آنها، ترامپ است. ترامپ که در خود آمریکا دموکراسی را قبول ندارد، و ظاهرا دارد با بمب دموکراسی را می آورد به ایران! در خود آمریکا ایشان دموکراسی را زیر پا گذاشته. اگر شما میخواهید فراتر بروید برگردید لطفا به متفکرین انقلاب کبیر فرانسه لاقفل. به آزادی برابری. شعار آنها آزادی برابری برادری بود ما برادری را میگذاریم کنار چون میگوئیم زن زندگی آزادی. برادری نداریم، خواهری و برادری داریم و اول هم خواهری را داریم. و بعد زندگی آزادی. تعجب میکنم که در این استیج هیچ نشانه ای از زن زندگی آزادی نیست.

بحث آخر من اینست دوستان که برای آنچه شما تکثر گرایی مینامید، برای اتحاد، برای اینکه توده مردم متحد شوند و جمهوری اسلامی را ببندازند، مردم فی الحال سرمایه مبارزاتی دارند. انواع شبکه ها، نهاد ها، سندیکاها، کانون ها، کمیته ها، شوراهای اعتراضی وجود دارد؛ شورای معلمان، شورای بازنشستگان، شورای کارگران نفت، شورای پرستاران و انواع سندیکاها و کمیته ها. اینها نه تنها در سرنگون کردن جمهوری اسلامی نقش اساسی دارند بلکه در دوره گذار و تعیین آینده ایران هم باید نقش اساسی داشته باشند. احزاب همانقدر در سیاست نقش ایفا میکنند که در این تشکل های واقعی میدانی ریشه دوانده و در آنها حضور دارند. چیزی که به انگلیسی "grass root" نامیده میشود. حزب بدون این ریشه اجتماعی حزب فقط سمینارها و کنگره ها است. حزب واقعی که بتواند نیرو جابجا کند، حزبی که در این نهادها و شبکه ها فعال باشد، یک نیروی سیاسی-اجتماعی واقعی است. این را هم بگویم که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی تعداد این تشکلهای ده ها و صدها برابر خواهد شد. اینها صاحبان ایرانند، اینها باید تصمیم بگیرند، اگر مجلس موسسان هست، اگر دوره گذار هست این نیروها باید به رسمیت شناخته شوند و احزاب از طریق نفوذ و حضوری که در این تشکلهای دارند در سیاست حضور بهم میرسند. خیلی متشکرم.

«کنگره آزادی»، گامی مثبت در معرفی اپوزیسیون



کازم نیکخواه

بیشتری با هم گردآیند و در مورد مسائل مختلف سیاسی گفتگو کنند. جامعه ایران در شرایط بسیار متحول و ویژه ای قرار دارد. اوضاع بسیار متحول است. خیزشهای توده متعددی با شرکت دهها هزار نفر علیه جمهوری اسلامی طی چند سال اخیر به جریان افتاده. که بارزترین آنها انقلاب زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ بود و پس از آن خیزش دی ماه را شاهد بودیم که در هر دوی اینها مردم در نزدیک به ۲۰۰ شهر دست به تظاهرات و تجمع و شعار دادن علیه جمهوری اسلامی زدند. جمهوری اسلامی در دی ماه فجیع ترین کشتار در دهه های اخیر در دنیا، و حتی فجیع ترین و وسیع ترین کشتار در تاریخ خود این حکومت جنایتکار را به جریان انداخت و دهها هزار نفر را به قتل رساند و شمار بیشتری را زخمی و دستگیر نمود.

این کشتار وحشیانه بخش های هرچه وسیعتری از مردم را تکان داد. فضای جامعه نشان میدهد که مردم وسیعا به صف سرنگونی سوق پیدا کرده اند. این جنایت به همگان نشان داده است که با وجود این حکومت زندگی تک تک مردم در خطر است. حکومت اسلامی با ارزیابی ساکت کردن مردم دست به چنین کشتاری زد. اما اعتراضات در ده ها دانشگاه و جنبش دادخواهی در شهرهای متعدد در پس این جنایت تکان دهنده، نشان داد که مردم جسورانه عزم سرنگونی خود را دنبال می کنند.

جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی نیز بیش از ۵ هفته است که جریان دارد و اکنون به فازهای خطرناکی وارد میشود و تهدید گسترش جنگ به تهاجم زمینی توسط ترامپ فضا را خطرناک تر نموده است.

در این شرایط نیروها و دولتهای مختلف تلاش میکنند بر تحولات سیاسی در اوضاع این کشور تاثیر بگذارند و اوضاع را به سمت و سوهایی بکشاند که میتواند به زیان مردم تمام شود. در میان جریانهای راست، گرایش سلطنت طلبی و پیرو رضا پهلوی، از چند ماه پیش تلاش میکند به شیوه های فاشیستی، یعنی به شیوه تهدید و ارباب و انحصار طلبی و تعرض به مخالفین خود، فضای اپوزیسیون را مصادره کند. حتی در روز دوم یعنی روز پایانی همین کنگره شماری از طرفداران پهلوی در اطراف ساختمان کنگره جمع شده بودند و به شیوه های مختلف شرکت کنندگان را مورد تعقیب و تهدید جدی و آزار و حمله قرار دادند. جمهوری اسلامی نیز از این جریان برای تعرض به نیروهای اپوزیسیون بسیار استفاده میکند و شواهد زیادی وجود دارد که نشان میدهد بسیاری از طرفداران این جریان، از مزدوران جمهوری اسلامی هستند.

در این اوضاع، شیوه های متمدنانه در بازتاب نظرات و مواضع اپوزیسیون و معرفی اختلاف نظرها و شنیدن گفتمانهای گوناگون و کنار زدن شیوه های انحصار طلبانه و حرکتیهای ضد دموکراتیک بسیار مهم و حیاتی است.

امیدوارم هرچه بیشتر شاهد برپایی این نوع نشستها و تریبونهای رنگارنگ باشیم و شمار هرچه بیشتری از احزاب و جریانات مختلف در آنها شرکت و ابراز نظر کنند. این خود یکی از شیوه های آگاهگری اجتماعی و پایه ریزی فضای متمدنانه در میان نیروهای اپوزیسیون است و به شکل گیری فضای آزاد و تحمل یکدیگر در جامعه آینده بسیار کمک میکند. ۱۰ فرودین ۱۴۰۵

روزهای ۲۸ و ۲۹ مارس (۸ و ۹ فروردین) یک گردهمایی بزرگ در لندن تحت نام کنگره آزادی ایران برگزار شد. این گردهمایی بر پایه یک سیاست و جهت گیری واحد، و یا به منظور تصمیم گیری های واحد و مشخص صورت نگرفته بود. بلکه با هدف معرفی رگه های سیاسی گوناگون و متنوع اپوزیسیون جمهوری اسلامی تدارک دیده شده بود. فعالین و چهره های متعددی از احزاب، نهادهای گرایشات و عرصه های مختلف و متنوعی از گرایشات چپ و راست و میانه در این کنگره شرکت داشتند و هرکدام در فرصت کوتاهی در مورد موضوعات سیاسی گوناگونی جهت گیری و بحث و نظرات خود را بیان کردند.

در معرفی این کنگره در ویکی پدیا چنین توضیحی آمده است: "در چهارم و پنجم اسفند ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۶)، جمعی متشکل از دهها تن از چهره های برجسته اپوزیسیون ایران در لندن یک نشست مقدماتی برگزار کردند. پس از این گفت وگوها، اعلام رسمی تأسیس «کنگره آزادی ایران» صورت گرفت، با هدف گسترش مشارکت در میان همه جناح های سیاسی، اجتماعی، قومی و حرفه ای. طبق برگزارکنندگان، این کنگره ادعای رهبری ندارد و هدف کنگره "فراهم کردن فضایی برای همکاری و تعریف مسیرهای عملی برای گذار دموکراتیک" است.

کنگره آزادی ایران در روزهای ۸ و ۹ فروردین در لندن برگزار شد و هدف اصلی آن، ایجاد گفت وگو و هم گرایی میان دموکراسی خواهان، از جمله احزاب، تشکلهای گروه های سیاسی و فرهنگی و چهره های مخالف جمهوری اسلامی بود."

نکته ای که میخواهم اینجا مختصرا اشاره کنم که این نوع گردهمایی ها که دربرگیرنده گفتگو میان گرایشات سیاسی مختلف از طیفهای چپ و راست و میانه تشکیل میشود، بسیار ارزشمند و مثبت است و کمک میکند که جامعه و مردم جریانات سیاسی را بهتر بشناسند و با سیاستها و اهداف و چهره های آنها بیشتر آشنا شوند و فضای دیالوگ و گفتگو و بحث و اقناع میان گرایشات سیاسی متفاوت جای محکمتری پیدا کند. و این نقطه قوت اصلی این کنگره بود.

شماری از کادرها و رهبران حزب کمونیست کارگری نیز در این نشست شرکت داشتند و شماری از آنها از جمله حمید تقوایی به عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، شهلا دانشفر در ظرفیت سخنگوی کمین برای آزادی کارگران زندانی، و شیرین شمس از سخنگویان شبکه فراگیر زن زندگی آزادی سخنرانی کردند و این سخنرانی ها مورد توجه بسیاری قرار گرفت.

امیدوارم که این نوع تلاشها هرچه بیشتر صورت گیرد و جریانات

جنگ، توهم و استقلال سیاسی

نیست که نیروهای "ضدامپریالیست" تبلیغ می‌کنند. آن‌ها مردم را به دنبال روی از جمهوری اسلامی در برابر غرب فرامی‌خوانند؛ این نگاه، مردم را به دنبال روی از نتایج سیاست‌های غربی فرامی‌خواند. هر دو، در یک چیز مشترک‌اند: کنار گذاشتن استقلال سیاسی مردم.

واقعیت این است: اگر جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کند، اگر از پروژه‌های منطقه‌ای یا هسته‌ای خود دست بکشد، این نه نتیجه "درست بودن" سیاست‌های غرب، بلکه نشانه بحران و بن‌بست رژیم در برابر جامعه است. این عقب‌نشینی، اگر رخ دهد، تنها در صورتی به پیشروی جنبش انقلابی کمک خواهد کرد که مردم خود، آگاهانه و متشکل، آن را به سکوی پرتابی برای تعرض نهایی تبدیل کنند. در غیر این صورت، همان عقب‌نشینی می‌تواند به بازسازی رژیم در شکلی دیگر بیانجامد.

آزادی را نه بمب‌های آمریکا به ارمغان می‌آورند و نه تسلیم یک رژیم به شروط قدرت‌های جهانی. آزادی فقط و فقط محصول دخالت مستقیم، متشکل و آگاهانه مردم و طبقه کارگر است. هر چیزی که این حقیقت را کمرنگ کند، هر تحلیلی که به جای تاکید بر قدرت مردم،

چشم به نتایج جنگ دولت‌ها بدوزد، عملاً در حال خلع سلاح سیاسی جنبش است.

در شرایط جنگی، این مساله حادث می‌شود. فشار، ناامنی و فضای نظامی، همواره گرایش به "انتظار" و "تعیین تکلیف از بالا" را تقویت می‌کند. وظیفه یک سیاست انقلابی دقیقاً مقابله با این گرایش است. نه باید به "پیروزی" این یا آن

دولت دل بست، و نه باید در چارچوب "نه به جنگ" بی‌محتوا حل شد. پاسخ روشن است: پیشروی جنگ مردم علیه جمهوری اسلامی، در دل همین شرایط.

اعتصاب، سازماندهی، ایجاد نهادهای توده‌ای، به میدان آمدن مستقیم مردم—این‌ها نه وظایف آینده، بلکه وظایف امروزند. جنگ دولت‌ها نه نقطه شروع، نه نقطه پایان، و نه تعیین‌کننده سرنوشت جامعه است. آنچه تعیین‌کننده است، توازن قوای میان مردم و رژیم است—و این توازن نه در آسمان سیاست جهانی، بلکه در خیابان، کارخانه، دانشگاه و محلات تعیین می‌شود.

باید صریح گفت: هر گرایشی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، تضعیف رژیم را به نقش قدرت‌های جهانی گره می‌زند، حتی اگر در لفظ مدافع سرنگونی باشد، در عمل در حال تضعیف افق یک انقلاب مستقل است.

تنها راه روشن است: سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به دست مردم. نه از مسیر جنگ دولت‌ها، نه از مسیر تسلیم رژیم، بلکه از مسیر دخالت مستقیم و سازمان‌یافته جامعه. باقی، توهم است.

۱۰ فروردین ۱۴۰۵، ۳۰ مارس ۲۰۲۶



سیاوش آذری

جنگ جاری نه اولین جنگی است که بر سر مردم ایران آوار می‌شود و نه آخرین آن. تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است خطر جنگها نیز همچنان باقی است. اما هر بار که چنین شرایطی پیش می‌آید، یک بار دیگر لازم می‌شود بدیهی‌ترین حقیقت را یادآوری کنیم: مساله اصلی نه جنگ دولت‌ها، بلکه جنگ مردم با جمهوری اسلامی است. هر تحلیلی که این واقعیت را به حاشیه ببرد، آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت تحریف صورت مساله قرار می‌گیرد.

جمهوری اسلامی از همان روز اول حیات خود، "دشمن خارجی" را

به یکی از ارکان بقایش تبدیل کرده است. غرب‌ستیزی این رژیم اساساً نه یک موضع ضد امپریالیستی یا با هدف مقابله با دولتهای غربی، بلکه یک ابزار حکمرانی است؛ ابزاری برای توجیه سرکوب، فقر، نظامی‌سازی جامعه و کشتار. این رژیم بدون این "تقابل" ایدئولوژیک، بدون این بسیج دائمی علیه

یک دشمن بیرونی، قادر به حفظ سلطه خود در داخل نیست. این یک واقعیت روشن است.

اما از اینجا تا نتیجه‌گیری‌های نادرست، فقط یک قدم فاصله است.

اینکه تضعیف این سیاست‌ها رژیم را در برابر مردم خلع سلاح می‌کند، درست است. اما اینکه این تضعیف را به نقش و اهداف دولت‌های غربی گره بزنیم، یک لغزش سیاسی خطرناک است. اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که بسیاری، حتی در صفوف مخالفین رژیم، از یک تحلیل انقلابی به یک نگاه تابع توازن قوای جهانی سقوط می‌کنند.

هیچ درجه‌ای از فشار آمریکا و اسرائیل، هیچ بمبارانی، هیچ "شرطی" از جانب قدرت‌های جهانی، حامل حتی یک ذره آزادی برای مردم ایران نیست. این دولت‌ها نه برای آزادی مردم ایران، بلکه برای منافع خود وارد میدان شده‌اند. اگر امروز به جمهوری اسلامی فشار می‌آورند، فردا می‌توانند با همان رژیم—در شکلی رام‌شده‌تر—به توافق برسند و آن را تثبیت کنند. تاریخ این منطقه پر است از همین سناریوها.

این توهم که "تضعیف رژیم از بیرون" می‌تواند به خودی خود مردم را به آزادی نزدیک‌تر کند، چیزی جز یک شکل وارونه از همان سیاستی



چرا برخی فقط یک طرف جنگ را می بینند

اطلاعیه کمیته بین‌المللی علیه اعدام



ناصر اصغری

مخالفت با جنگ یک موضع کاملاً مشروع و انسانی است. اما این موضع زمانی معنا دارد که با صداقت سیاسی همراه باشد. نمی توان در برابر جنگ ایستاد و همزمان چشم بر جنایات حکومتی بست که خود یکی از اصلی ترین عوامل تولید خشونت و ناامنی در جامعه است. اگر کسی مخالفت خود با جنگ را اعلام کند اما جنایات جمهوری اسلامی را برجسته نکند، در واقع موضعی یک جانبه اتخاذ کرده است. رژیم که تنها در عرض ۲ روز، در ۱۸ و ۱۹ دی، بیش از ۴۰ هزار نفر شهروند غیرنظامی بی سلاح را به قتل رساند، زخمی ها را روی تخت بیمارستان با تیر خلاص کشت و اجساد را برای ایجاد رعب به نمایش گذاشت، نمی تواند از دایره افشا خارج شود. سکوت در برابر چنین جنایاتی به معنای بی طرفی نیست، بلکه به معنای نادیده گرفتن رنج واقعی مردم است.

واقعیت این است که بخشی از مخالفان جنگ، در عمل تنها مخالف آمریکا و اسرائیل هستند و کاری به جمهوری اسلامی ندارند. برخی حتی این موضع را آشکارا بیان می کنند و تمام تمرکز خود را بر محکوم کردن حملات خارجی می گذارند، بدون آنکه اشاره ای به سرکوب و کشتار داخلی داشته باشند. این موضع نه تنها ناقص است، بلکه به تحریف واقعیت نیز منجر می شود.

یک پرسش اساسی در این میان وجود دارد. چرا بخش بزرگی از جامعه از ماندن جمهوری اسلامی بیشتر از جنگ و بمباران هراس دارد. چرا برخی مردم با صدای بلند می گویند که ویرانی بهتر از تداوم این وضعیت است. این گزاره ها را نمی توان صرفاً به احساسات نسبت داد. اینها بازتاب تجربه ای عینی از سرکوب، تحقیر و خشونت سازمان یافته است.

نمایش تصاویر ویرانی ناشی از حملات خارجی، اگرچه واقعی و دردناک است، اما بدون اشاره به نقش جمهوری اسلامی در به وجود آوردن این شرایط، تصویری ناقص ارائه می دهد. مردمی که امروز حتی از کشته شدن سران و فرماندگان رژیم اسلامی ابراز شادی می کنند، پیش از آن قربانی همان سران و فرماندهان بوده اند. رژیمی که در عرض ۲ روز دست به چنین کشتاری زده، خود یکی از بزرگترین تهدیدها برای جان و کرامت انسان ها در این جامعه است.

کسانی که جمهوری اسلامی را نماینده مردم ایران معرفی می کنند، در عمل بر خون ریخته شده جوانان این کشور چشم می بندند. نمایندگی مردم با سرکوب، اعدام و کشتار جمعی سازگار نیست. این یک تحریف آشکار از مفهوم نمایندگی است. گفتن این حقایق حداقل وظیفه هر نیروی است که خود را مدافع مردم می داند. سکوت در برابر این واقعیت ها، یا حذف آنها از روایت، به معنای ایستادن در کنار مردم نیست. دوستان واقعی مردم کسانی هستند که همزمان با مخالفت با جنگ، علیه تمامی اشکال خشونت، چه داخلی و چه خارجی، موضعی روشن و بی ابهام اتخاذ می کنند.

۱ آوریل ۲۰۲۶

موج جدید اعدام ها: جنگی علیه مردم ایران

کمیته بین‌المللی علیه اعدام در پی اعدام دست کم هشت نفر از زندانیان سیاسی و معترضان بازداشت شده در طول دو هفته گذشته، ضمن ابراز نگرانی شدید از تداوم این جنایات، همگان را به اعتراضی وسیع و گسترده علیه اعدام ها در ایران و برای نجات جان زندانیان سیاسی و معترضان در بند فرامی خواند.

در روزهای دهم و یازدهم فروردین، چهار زندانی سیاسی به نام های بابک علی پور، پویا قبادی، اکبر دانشورکار و محمد تقوی اعدام شده اند. پیش از آن نیز در روزهای پایانی اسفند، سه تن از معترضان دی ماه به نام های مهدی قاسمی، صالح محمدی و سعید داودی در قم با اتهام «محاربه و» همچنین کورش کیوانی، زندانی دوتابعیتی ایرانی-سوئدی، به اتهام جاسوسی اعدام شدند. همزمان، هشدارها درباره خطر قریب الوقوع اعدام دست کم هفت زندانی سیاسی دیگر منتشر شده است که اسامی آنها بدین قرار است: وحید بنی عامریان، ابوالحسن منتظر، محمدامین بیگری، شاهین واحدپرست کور، ابوالفضل صالحی سیپاوشانی، امیرحسین حاتمی و علی فهیم.

این اعدام ها در شرایطی صورت می گیرد که حاکمیت با بهره برداری از فضای جنگی و تنش های منطقه ای، سرکوب داخلی را تشدید کرده و می کوشد هرگونه اعتراض و نارضایتی اجتماعی را با ابزار خشونت خاموش کند. در چنین بستری، اعدام نه تنها یک مجازات ضدانسانی، بلکه به طور فزاینده ای به سلاحی سیاسی برای ارباب جامعه و مهار اعتراضات تبدیل شده است. در عین حال، مبارزه علیه اعدام نه فقط دفاع از حق حیات، بلکه تلاشی برای عقب راندن جمهوری اسلامی و جلوگیری از توسل رژیم به جنایات گسترده تر است.

این اعدام ها و جنایات روزمره، بیانگر استیصال و درماندگی جمهوری اسلامی است که برای حفظ بقای خود به تشدید خشونت و سرکوب متوسل شده است.

ما از تمامی نهادهای بین‌المللی، سازمان های حقوق بشری، دولت ها و افکار عمومی جهان می خواهیم که در برابر این وضعیت سکوت نکنند و برای توقف فوری اعدام ها در ایران اقدام کنند.

همچنین از همه فعالان، احزاب، نهادها و ایرانیان خارج از کشور دعوت می کنیم تا با گسترش همبستگی و اتحاد، اعتراضات، کارزارهای بین‌المللی و اطلاع رسانی گسترده، جنبش علیه اعدام را تقویت کرده و در برابر این ماشین کشتار بایستند.

از همه خانواده های محکومان به اعدام نیز می خواهیم که با رسانه ای کردن پرونده های عزیزان خود و مشارکت فعال در کارزارهای اعتراضی، نقش مهمی در نجات جان آنان ایفا کنند.

جمهوری اسلامی و ماشین کشتار آن تنها با اتحاد گسترده علیه اعدام و این نظام سرکوبگر متوقف خواهد شد. با مبارزه ای سراسری علیه اعدام، از حق حیات و کرامت انسانی دفاع کنیم و مانع تحقق سیاست های مرگبار حاکمیت شویم. تمامی احکام اعدام باید فوراً لغو شوند و همه زندانیان سیاسی و معترضان بازداشت شده باید بدون قید و شرط آزاد گردند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۱ آوریل ۲۰۲۶ - ۱۲ فروردین ۱۴۰۵

پیام اصغر کریمی به مراسم گرامیداشت ینار محمد

۲۹ مارس ۲۰۲۶، لندن

پیام بهرام سروش از طرف حزب کمونیست کارگری

ایران به مراسم گرامیداشت ینار محمد

ینار گرامی و عزیز

چه زود آدمکشان ترا از ما و از مردم عراق گرفتند.

بسیار متأسفم که برایم مقدور نبود در مراسم گرامیداشت شخصیت بزرگ و دوست داشتنی تو حضور داشته باشم. علیرغم اینکه یکی دو بار بیشتر ترا ندیده بودم اما همیشه در قلبم جا داشتی و جا خواهی داشت، همینطور که در قلب هزاران نفر دیگر. شجاعت، انساندوستی، اعتقاد عمیق به آرمان انسانی سوسیالیسم که دهه‌ها و سرسختانه برایش مبارزه کردی، فعالیت وقفه‌ناپذیر و تأثیرات قابل توجهی که در زندگی زنان ستمدیده عراق داشتی و سازمانی که برای کمک به نجات و سازماندهی و آگاهی آنها تاسیس کردی، همه اینها ترا به یک شخصیت عمیقاً قابل احترام تبدیل کرد. قابل احترام در نزد هر انسان آزادیخواهی که ترا از نزدیک می‌شناخت، پای صحبت‌های تو نشست بود، و یا صدایت را شنیده بود.

ینار عزیز تو شخصیت بسیار بزرگ و تأثیرگذاری داشتی و به همین خاطر اسلامی‌ها نتوانستند وجودت را تحمل کنند و ترا بی‌رحمانه ترور کردند.

ترا به قتل رساندند چون خاری در چشم آنها بودی. ترا به قتل رساندند چون از آرمان‌های انسانی‌ات وحشت داشتند. ترا ترور کردند چون مردم عراق خواهان یک زندگی انسانی، بدون تبعیض و سرکوب و نابرابری هستند و تو این آرمان‌ها را نمایندگی می‌کردی. ترا ترور کردند چون از رشد جنبشی که به آن تعلق داشتی و سهم قابل توجهی در نشو و نما آن داشتی، وحشت داشتند.

اما مردم عراق از بذری که تو و همفکران و همکارانت کاشتید مواظبت خواهند کرد چون برای رهایی، برای رسیدن به جامعه‌ای انسانی و برای خلاصی از شر جنبش کثیف اسلامی به آن نیاز دارند.

تردیدی ندارم روزی که مردم عراق از شر حکومت ارتجاعی- قومی- اسلامی حاکم بر این کشور رها شوند، روزی که پوزه اسلام سیاسی به خاک مالیده شود، آنوقت بطور واقعی ارزش تو و شخصیت بزرگت و جنبشی که به آن تعلق داشتی، برای همگان آشکار خواهد شد.

به همه شما حاضران عزیز، به بستگان ینار، به سازمان آزادی زن عراق و سازمان بدیل کمونیستی عراق و همه دوستداران ینار عزیز از صمیم قلب تسلیت می‌گویم.

اصغر کریمی

۲۹ مارس ۲۰۲۶

در کمال ناباوری روز دوم مارس خبر هولناک از دست دادن ینار محمد عزیزمان بدست آدمکشان اسلامی را شنیدیم. این خبر هزاران انسان را در عراق و ایران و در سراسر جهان در سوگ عمیقی فرو برد. بویژه برای ما در حزب کمونیست کارگری ایران که از سالها پیش از نزدیک شاهد فعالیت‌های انسانی و رهائیبخش او بودیم و با چهره دوست داشتنی اش آشنا بودیم، خبر از دست دادن او بسیار دردناک و سنگین بود.

از دست دادن ینار ضایعه‌ای بزرگ و جبران ناپذیر برای زنانی که ینار تمام زندگی خود را وقف رهایی آنها ساخت، برای جنبش آزادیخواهی و برابری انسان‌ها در عراق و سراسر جهان و برای تمام انسانهایی است که برای ساختن یک دنیای بهتر، برای رهایی انسان، برای سوسیالیسم مبارزه می‌کنند. ینار مظهر تلاش بی وقفه برای



Yanar Mohammed

(1960-2026)

Socialist and Feminist activist in Iraq

Murdered by Islamic Terrorists

Woman, Life, Freedom

ساختن یک دنیای بهتر بود.

جنبش کثیف اسلامی که فعالیت انسانی و رهائیبخش ینار را همواره تهدیدی برای خود میدید و بارها فتوای قتل او را صادر کرده بود، نهایتاً موفق شد او را ظالمانه از ما بگیرد.

بیشک با سرنگونی جمهوری اسلامی، این منشاء و ستون اصلی تروریسم اسلامی در منطقه، جنبش مرتجع و آدمکش اسلامی در عراق و سایر کشورهای منطقه نیز به سرعت دچار افول و شکست خواهد شد.

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران از دست دادن این انسان بزرگ و دوست داشتنی، این کمونیست برجسته، این فعال شجاع و آزاده را صمیمانه به خانواده ینار عزیز، به بستگان و دوستانش، به رفقاییش در سازمان بدیل کمونیستی عراق، به همزمانش در سازمان آزادی زن عراق، و به همه مردم آزاده عراق و ایران و جهان تسلیت می‌گویم.

یاد ینار عزیز در قلب میلیون‌ها انسان مشتاق رهایی زن و جنبش آزادی و برابری انسان‌ها برای همیشه باقی خواهد ماند.

۲۹ مارس ۲۰۲۶

علیه اعدام‌ها و برای آزادی زندانیان سیاسی باید به اقدامات عاجل دست زد!

در ادامه اعدام چهار زندانی سیاسی در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین، اکنون خطر اعدام، وحید بنی‌عامریان و ابوالحسن منتظر از دیگر متهمان این پرونده شش نفره را نیز تهدید می‌کند. جنایتکاران اسلامی اکبر دانش‌ورکار و محمد تقوی‌سنگ‌دهی روز ۱۰ فروردین و پویا قبادی (۳۴ ساله و فارغ‌التحصیل مهندسی برق) و بابک علیپور (۳۵ ساله و فارغ‌التحصیل رشته حقوق) را روز ۱۱ فروردین بدون حتی ملاقات آخر با خانواده‌ها در زندان قزلحصار اعدام کردند. تعداد دیگری از زندانیان سیاسی نیز در روزهای گذشته به مکان‌های نامعلومی منتقل شده‌اند.

اجازه ندهیم قاتلان حاکم بر ایران در فضای جنگی کنونی، جان عزیزان بیشتری را بگیرند. آدمکشان اسلامی، همان‌ها که تنها در دی‌ماه دهها هزار نفر مردم معترض را به خاک و خون کشیدند، تهدیدات خود علیه مردم را شدت داده، دستگیری‌ها را بیشتر کرده و می‌خواهند انتقام شکست‌هایشان را از مردم معترض بگیرند. به موازات اعدام، گله آدمکش حشدالشعبی را نیز وارد آبادان کرده و به قصد ارباب مردم آنها را در شهر چرخاندند.

باید با تمام قوا در داخل و خارج کشور برای آزادی زندانیان سیاسی و کلیه معترضین زندانی به میدان بیاییم. نباید به آدمکشان حاکم اجازه دهیم در فضای جنگی که خود آنها مسبب آن هستند، دست به اعدام بیشتر بزنند و زندانیان را با بدترین شرایط و بعنوان سپر دفاعی در زندان‌ها نگه دارند. در خارج کشور بویژه می‌توان فعالیت‌های همه جانبه‌ای از تجمعات اعتراضی تا تماس با نهادهای بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادهای کارگری و پیشرو و همین‌طور تماس با دولت‌ها را در دستور گذاشت تا فشار سیاسی موثری برای آزادی زندانیان و پایان دادن به اعدام صورت گیرد. از کلیه شبکه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای زن زندگی آزادی، احزاب و نهادهای مخالف جمهوری اسلامی و کلیه ایرانیان آزاده در خارج کشور انتظار می‌رود همه آنها برای یک فعالیت هماهنگ و گسترده به میدان بیایند.

اعدام باید متوقف شود. مجازات اعدام باید ملغی شود. زندانیان سیاسی و کلیه معترضین زندانی باید فوراً و بی‌قیدوشرط آزاد شوند.

در مورد کنگره آزادی ایران در لندن

روزهای ۲۸ و ۲۹ مارس یک گردهمایی تحت عنوان "کنگره آزادی ایران" در لندن برگزار شد و طیف وسیعی از نیروهای اپوزیسیون ایرانی جمهوری اسلامی از چپ و راست در آن شرکت داشتند. برگزارکنندگان این همایش اعلام کرده‌اند که این کنگره ادعای رهبری ندارد و هدف کنگره "فراهم کردن" فضایی برای همگرایی و تعریف مسیرهای عملی برای گذار دموکراتیک است.

شماری از کادرها و اعضای رهبری حزب نیز در این کنگره شرکت داشتند. از نظر ما شرکت در این کنگره فرصتی بود برای طرح سیاست‌ها و مواضع متفاوت حزب در مورد موضوعاتی که در دستور مباحث پل‌های مختلف قرار گرفته بود. در این گردهمایی دهها نفر از کنشگران و رهبران احزاب و نهادهای مختلف و متنوع به طرح نظرات خود پرداختند. این گام مثبتی در صفوف اپوزیسیون است که باید آنرا به یک سنت و شیوه مرسوم و مستمر تبدیل کرد.

در این روزها همچنین شاهد تحرکات جریان فاشیستی و سلطنت‌طلب طرفدار رضا پهلوی هستیم که تلاش می‌کند گردهمائی‌های نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور را که به مذاقش خوش نمی‌آید به شیوه‌های سرکوبگرانه و حملات فیزیکی و تهدید و توهین‌های رکیک، به هم بزند و مانع شود. از جمله شماری از طرفداران این جریان در برابر محل کنگره آزادی جمع شده بودند و شرکت کنندگان در کنگره را مورد توهین و تهدید قرار دادند. این نوع تحرکات بیش از هر افشاگری‌ای، نه تنها بی‌ربطی و تقابل کامل این جریان را با آزادی بیان، بلکه ترس و نگرانی آنها از بحث و گفتگو و تبادل نظر آزادانه و متمدنانه بین نیروهای سیاسی را به روشنی به نمایش می‌گذارد.

در این شرایط کنگره آزادی ایران، که جریانات متنوع و مختلف را علیرغم اختلاف سیاست‌ها و دیدگاه‌ها، کنار هم قرار داد که نظرات خود را در معرض توجه عمومی قرار دهند، یک رویداد سیاسی قابل توجه و مهم بود و باید امیدوار بود که این نوع تلاش‌ها هرچه بیشتر صورت گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ فروردین ۱۴۰۵، ۳ آوریل ۲۰۲۶

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ فروردین ۱۴۰۵، ۱ آوریل ۲۰۲۶

برای کمک از طریق پل پی می‌توانید از QR Code هم

استفاده کنید:



کمپین مالی ادامه از صفحه ۹

کمک خود را همچنین می‌توانید از طریق پی پل پرداخت کنید:
Donate (paypal.com) یورو
Donate (paypal.com) دلار

سوآلی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:
تماس از خارج: سیامک بهاری 0046739868051
از آمریکای شمالی: بابک یزدی 0014164717138
تماس از ایران: شهلا دانشفر: 0044743556246

کمپین مالی حزب لیست شماره ۷

در باره احیای مجازات شیع اعدام در اسرائیل

در پاسخ به کمپین مالی حزب که از ۱۶ فوریه شروع شد، مبلغ ۱۵۵۲۶۰ دلار جمع آوری شده است. از کلیه عزیزانی که با کمک شخصی خود و یا تلاش برای جمع آموری کمک از اطرافیان خود موفقیت این کمپین را تضمین کردند صمیمانه قدردانی میکنیم.

واقعیت این است که نیاز مالی حزب بسیار بیشتر از این مبلغ است و ما مطمئنیم که افرادی که بالقوه می توانند به حزب کمک کنند بسیار بیشتر از دوستانی است که ما سراغشان رفته ایم. این کمپین معین اینجا پایان می یابد اما ما در طول سال همچنان سراغ دوستان بیشتری خواهیم رفت و امیدواریم بتوانیم کمک های بسیار بیشتری دریافت کنیم تا فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهیم.

۱۴ فروردین ۱۴۰۵، ۳ آوریل ۲۰۲۶

لیست شماره ۷

ایرج رضایی ۲۰۰ دلار کانادا

معصومه ۵۰۰ کرون

ابوذر صلحجو ۱۰۰۰ کرون

فریبا آذرخش و پیام آذر (بار دوم) ۲۰۰ یورو

آوا اکبری ۵۰۰ کرون

فریبا برهان زهی ۵۰۰ کرون

عمر ب ۱۰۰ دلار کانادا

جمع لیست هفتم ۶۳۰ دلار آمریکا

جمع کمک تا کنونی ۱۵۵۲۶۰ دلار آمریکا

برای پرداخت کمک های خود می توانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید:

شماره حساب ها و تلفن های تماس:

سوئد:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

روز دوشنبه ۳۰ مارس، پارلمان اسرائیل لایحه ای را تصویب کرد که به موجب آن مجازات ضدانسانی اعدام در اسرائیل دوباره احیا می شود. بیش از ۶۰ سال است که در اسرائیل اعدامی صورت نگرفته است. اگرچه مجازات اعدام برای برخی جرائم در قوانین این کشور وجود دارد، اما در موارد نادری که دادگاه های نظامی حکم اعدام صادر کرده اند، تمامی این احکام در پی فرجام خواهی به حبس ابد کاهش یافته اند. بر اساس مصوبه اخیر پارلمان اسرائیل که ضمن احیای مجازات اعدام آشکارا نژادپرستانه نیز است، هر فلسطینی در کرانه باختری که در دادگاه های نظامی اسرائیل به دلیل اجرای آگاهانه حملات مرگبار محکوم شود، به طور پیش فرض با حکم اعدام با طناب دار روبه رو خواهد شد. همچنین در دادگاه های غیرنظامی نیز فردی که به جرم قتل با هدف نابودی دولت اسرائیل محکوم شود، می تواند با مجازات اعدام مواجه شود. این لایحه با اختلاف ۱۴ رأی، متأسفانه در پارلمان اسرائیل تصویب شد. با این حال، یک گروه حقوق بشری در اسرائیل دادخواستی را به دیوان عالی این کشور ارائه کرده و خواستار لغو این قانون شده است.

مصوبه جدید پارلمان اسرائیل نه تنها مجازات ضدانسانی و شنیع اعدام را در این کشور دوباره احیا می کند، بلکه با هدف قرار دادن فلسطینیان، با هر بهانه و عنوانی، ماهیتی کاملاً نژادپرستانه و فاشیستی دارد و باید قویاً محکوم شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام، به عنوان نهادی که سالهاست علیه مجازات اعدام در ایران مبارزه می کند، تصویب چنین قانونی در پارلمان اسرائیل را شدیداً محکوم می کند و امیدوار است که این قانون با تلاش مخالفان اعدام در این کشور و نیز تحت فشارهای بین المللی، هرچه سریع تر لغو شود.

تصویب چنین قانونی در اسرائیل، پسرقتی برای بشریت به شمار می آید؛ بشریتی که سال ها با تلاش و مبارزه بی امان کوشیده است تا از اجرای مجازات مرگ در بسیاری از کشورها جلوگیری کرده و به لغو آن دست یابد.

تصویب چنین قانونی در اسرائیل، در عین حال هشدار برای همه ماست که از همین امروز در ایران، در برابر اپوزیسیون راست افراطی که شعار مرگ مخالفین سیاسی خود را می دهند و می کوشند تحت عناوینی مانند «مبارزه با تروریسم»

، «قاطعیت در برابر خلافکاران» یا حتی «انتقام جویی از جانیان» ، به تداوم برقراری چوبه های دار در فردای ایران دامن بزنند، قاطعانه بایستیم. نباید به این جریان ها اجازه داد دستاوردهای جنبش ضد اعدام در ایران را به عقب برانند و به گفتمان اعدام در سپهر سیاسی ایران جان تازه ای ببخشند.

باید هوشیار بود و بدون هیچ گونه تخفیفی، خواهان لغو مجازات اعدام برای هر جرمی شد. اعدام و هرگونه مجازاتی که بر پایه انتقام جویی بنا شده است، باید از قوانین کیفری در ایران حذف شود.

ما همه مخالفان اعدام را دعوت می کنیم که تلاش های خود برای لغو عملی مجازات اعدام در ایران، و توقف صدور و اجرای احکام اعدام را گسترش دهند و برای ممنوعیت آن در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، هرچه بیشتر بکوشند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۳ فروردین ۱۴۰۵ - ۲ آوریل ۲۰۲۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید